

گوشی همراه در دست‌های کوچک



گوشی همراه زن زنگ می‌خورد، آن را از کیفش درمی‌آورد و جواب می‌دهد. از پشت سیل امواج، انگار از فرسنگ‌ها دور صدای مردی را می‌شنود که می‌گوید: خانم پسران تصادف کرده اما نگران نباشید. ما شماره شما را از داخل موبایلش پیدا کردیم.

جام جم آنلاین: گوشی همراه زن زنگ می‌خورد، آن را از کیفش درمی‌آورد و جواب می‌دهد. از پشت سیل امواج، انگار از فرسنگ‌ها دور صدای مردی را می‌شنود که می‌گوید: خانم پسران تصادف کرده اما نگران نباشید. ما شماره شما را از داخل موبایلش پیدا کردیم. مادر وحشت‌زده و بغض‌آلود از او مشخصات بیمارستان را می‌گیرد و به سمت مسیر می‌دود.

کمی آن طرف‌تر 2 کودک ایستاده کنار هم در صف اتوبوس گوشی‌هایشان را روشن می‌کنند، پنهان از چشم بزرگ‌ترها صفحه‌ای را به هم نشان می‌دهند، در گوش هم پیچ می‌کنند و می‌خندند و دانشجویی حیران میان 2 مشاهده، به تحقیق خود فکر می‌کند کدام یک برای کودکان و نوجوانان بهتر است؛ موبایل داشتن یا نداشتن؟

دخترک گریه‌کنان پایش را بر زمین می‌کوبد و می‌گوید: من آن گوشی را می‌خواهم.

مادر با استیصال دختر کوچکش را نگاه می‌کند. خود را در این بحث مادر و فرزند وارد می‌کند و از دخترک می‌پرسد: دختر کوچولو برای چه موبایل می‌خواهی؟

دخترک که چشمانش چون گودالی پر از آب شده است، صادقانه می‌گوید: چون همه دوستانم دارند، اما مامانم گوشی خودش را به من داده و من خجالت می‌کشم آن گوشی درب و داغان را نشان دوستانم بدهم.

مادر زمزمه‌کنان می‌گوید: درب و داغان نیست، فقط دیگر مد نیست.

به سویی مادر برمی‌گردد و می‌پرسد: شما موافقید دخترتان در این سن گوشی همراه داشته باشد؟

مادرشانه‌هایش را بالا می‌اندازد و می‌گوید: برای من فرقی ندارد اما پدرش مخالف است و می‌گوید، گوشی خریدن برای بچه 10 ساله پول دور ریختن است.

دوباره صدای گریه دخترک بلند می‌شود.

– بابا مرا دوست ندارد.

مادر برای نوازش کودک جلو می‌رود و بحث این‌گونه خاتمه می‌یابد.

روی سنگفرش‌های پاساژ قدم می‌زنم و از کنار مغازه‌هایی می‌گذرم که پر از گوشی‌های همراه است. مغازه‌هایی که مانند جعبه‌های مدارنگی پر از رنگ‌اند. با خودم فکر می‌کنم کودکان تکنولوژی‌های این گوشی‌ها را بیشتر از والدینشان می‌دانند و شاید حق داشته باشند که گوشی‌های پیشرفته‌تری داشته باشند، اما مساله‌ای که والدین را آزار می‌دهد، گوشی‌های پیشرفته نیست، محتوای آن است، محتوایی که به شدت از آن وحشت دارند. از پشت ویتترین مغازه و از میان انبوه گوشی‌های گوناگون نگاهم به زنی می‌افتد که با پسر کوچکی سرگرم انتخاب گوشی همراه هستند و انگار از تفاهمی که میانشان برقرار است، خرسندند. زن خوش‌برخورد است و وقتی که درباره پسرش با او صحبت می‌کنم، لبخندش عمیق‌تر می‌شود. می‌گویم: چند سال است که پسران موبایل دارد؟

– 5 سال؛ از 8 سالگی.

– خودش گوشی می‌خواهد؟

– بله خودش که خیلی دوست دارد، اما راستش من هم موافقم، به خاطر این‌که اگر از کلاس زبان دیر می‌آید، راحت بتواند مرا مطلع

کند، بعد هم این که این طوری بهتر می‌توانم کنترلش کنم.

به گوشی همراه در دست پسرش اشاره می‌کنم و می‌پرسم: برای انتخاب گوشی باهم مشکلی ندارید؟

نکته: کارشناسان توصیه می‌کنند دست‌کم برای کودکان‌تان گوشی ساده بخرید تا امکان بالقوه آن برای بازی‌های رایانه‌ای و محتویات غیراخلاقی کم باشد

زن به پسرش که دورتر از ما مشغول صحبت با فروشنده است و از او درباره نحوه کار گوشی تازه‌اش می‌پرسد نگاه می‌کند، صدایش را پایین‌تر می‌آورد و می‌گوید: نه. خودم انتخاب می‌کنم البته حمید خیلی دوست دارد که گوشی‌اش مثل همکلاسی‌هایش باشد اما من قانعش کردم که فقط این مقدار می‌توانم هزینه کنم.

زن میانسالی که کنارمان ایستاده است و در حین انتظار برای تعمیر گوشی‌اش صحبت‌هایمان را می‌شنود با لحن خواهرانه‌ای به زن جوان می‌گوید: اما عزیزم از من به شما نصیحت پسر معصومت را از حالا با این وسایل آشنا نکن.

زن ناراضی می‌گوید: اما بالاخره که چی؟ دنیای امروز اقتضا می‌کند که بچه‌ها کار با این وسایل را یاد بگیرند.

زن میانسالی می‌گوید: حالا نه، حالا زود است. من خودم پسر 14 ساله‌ای دارم که تا همین 6 ماه پیش در برابرش مقاومت کردم و برخلاف خواسته‌اش برایش گوشی نخریدم اما حالا که مجبور شدم مرتب مطالب گوشی‌اش را چک می‌کنم. آهی می‌کشد و می‌گوید: دنیای بدی است چه بی‌اخلاقی‌هایی که با همین بلوتوث و پیامک سریع رواج پیدا می‌کند. ناراحت‌کننده‌تر این که این بی‌اخلاقی‌ها برای فرهنگ ما نیست. ما بچه‌هایمان را اینطور بار نیاورده‌ایم.

به‌راستی کدام یک درست می‌گفتند؛ آن زن جوانی که با شوق برای نوجوان خود موبایل می‌خرد یا آن زن میانسالی که تجربه‌اش می‌گفت وسایل مدرن امروز، معصومیت کودکانمان را به ورطه نابودی می‌کشاند؟

دوسوی یک واقعیت

از کنار مغازه‌های پرزرق و برق می‌گذرم و به دوسوی یک واقعیت می‌اندیشم؛ واقعیتی که در برابر خانواده‌هایمان دوراهی طویل در بستری از تردید می‌گسترده و ما ایستاده در آغاز این دوراهی به پایان آن می‌اندیشیم و می‌دانیم که اجتماع چون درس حساب نتیجه یکسانی دربر نخواهد داشت که به مانند فرمولی از خوشبختی برای یکدیگر تجویز کنیم و تلخ‌تر این که هر دو زن درست می‌گفتند و هر دو آینده را نمی‌دانستند، آینده‌ای که امروز این‌گونه است زودتر از آن که ما به سمتش برویم او می‌آید و ما را می‌بلعد و ما سرسپرده، سرگردان یا سرافراز به انتظار فردایی نشسته‌ایم که بیش از والدین در تربیت فرزندانمان سهم دارد، اما وقتی از زهرا اصغریور، کارشناس ارشد مطالعات خانواده و مشاور درباره موبایل و داشتن و نداشتن آن پرسیدم، این طور پاسخ داد: تلفن همراه مزایا و معایبی دارد مزایایش این است که وقتی کودکانمان از ما دور هستند ما می‌توانیم با استفاده از موبایل از وضعیت آنان مطلع شویم که این بیشتر مناسب حال مادران مضطربی است که حساسیت زیادی روی بچه‌هایشان دارند یا مادران کارمند که کمتر کنار فرزندان خود هستند، اما تلفن همراه معایبی هم دارد، گاهی بلوتوث‌ها و پیامک‌ها، محتوای غیراخلاقی دارند که موجب بلوغ زودرس در کودکان و نوجوانان می‌شود. تجربه‌های مشاوره‌ها نشان می‌دهد بسیاری از دوستی‌ها با جنس مخالف با موبایل، آن هم درس بلوغ که دوران بسیار حساسی است به وجود می‌آید و از آنجا که در این دوران، بلوغ جنسی زودتر از بلوغ فکری اتفاق می‌افتد، فرد آسیب زیادی می‌بیند اما یکی دیگر از معایب مهم موبایل این است که گوشی‌های همراه، کودکان را از بازی‌های مهیج طبیعی دور می‌کند. بازی یکی از عوامل مهم در رشد خلاقیت کودک است اما موبایل و بازی‌های رایانه‌ای آن، فرصت رشد خلاقیت را از کودکان می‌گیرد چون کودکان ترجیح می‌دهند گوشه‌ای بنشینند و با گوشی‌هایشان بازی کنند.

از اصغریور می‌پرسم: پس چه باید کرد؟

او جواب می‌دهد: توصیه ما این است که در صورت تهیه موبایل برای کودکان، گوشی‌های ساده در نظر گرفته شود. گوشی‌هایی که امکان بالقوه برای بازی‌های رایانه‌ای و محتویات غیراخلاقی نداشته باشد.

بیرون که می‌آیم به صحبت‌های مشاور فکر می‌کنم. تکنولوژی و سرگرمی‌های مصنوعی‌اش فرصت سرگرمی‌های گروهی را از کودکان گرفته است. دنیای امروز دنیای فردگرایی است، دنیای تنهایی‌هاست و واقعیت اینجاست که کودکانمان رایانه و موبایل شخصی‌شان را بیشتر از توپ فوتبالشان دوست دارند توپی که برخلاف موبایل که کاملاً شخصی است می‌تواند پایه‌یابی انبوهی از کودکان در کوچه‌های خاکی بدود، سروصدا راه بیندازد، شیشه‌ها را بشکند و والدین امروز را که در مشغله‌هایشان غرق هستند، کلافه کند اما کودکانمان از موبایل و اینترنت این هدایای ارتباطی دنیای مدرن استفاده می‌کنند چون دیگر نه شرایط و نه حتی علاقه کودکان قدیم

را براي بازي‌هاي قديمي و طبيعي ندارند. آنها مي‌خواهند با اين پيشکش عصر ارتباطات اندکي از گستره تنهائي‌شان را بپوشانند، با موبایل‌شان موسيقي‌هاي شاد گوش دهند تا اضطراب امتحان فردايشان را از ياد ببرند، پيامک مي‌زنند تا با کسي حرف زده باشند، شماره‌هاي ناآشنا را مي‌گيرند تا به تعداد دوستان اندکشان بيفزايند و آنقدر بازي‌هاي مصنوعي مي‌کنند تا پدر و مادرشان خسته از کار روزانه برگردند. اين والدين اگرچه مي‌دانند اما فرصت زيادي ندارند که اين حکايت غريب را به کودکانشان توضيح دهند. آنها مي‌دانند که کودکانشان آنقدر شيفته وسايل ارتباطي شده‌اند که خود ارتباط و چگونگي‌اش را از ياد برده‌اند.

فرشته اثني‌عشري / جام‌جم